

تقدیر و تشکر

در اینجا لازم می‌دانم از آقایان دکتر پیمان صالحی (معاون محترم پژوهشی وقت) و دکتر نبید (معاون محترم اداری و پشتیبانی پژوهشی وقت) و همکاران محترم در دانشکده علوم زمین، برای همه مساعدتها و همیاری آنان در روند فرصت مطالعاتی این جانب تشکر نمایم. همچنین از افرادی که در دانشگاه مونترال، شرایط نسبتاً مناسبی برای پژوهش و مطالعه بنده ایجاد کردند به ویژه پروفسور پاتریس بوردور، از «مؤسسه پژوهشی اسلام، پلورالیسم و جهانی شدن»، تشکر می‌نمایم. از دکتر حسین حاتمی‌نژاد، برای مطالعه و ویراستاری علمی کتاب سپاس گزارم. همچنین از همه نیروهای صدیق سازمان «سمت» مؤثر در پذیرش، آماده‌سازی و انتشار اثر، به ویژه جناب آقای دکتر علیجانی و سرکار خانم هاله معیری تشکر می‌نمایم.

پیشگفتار

در دهه 1370، با شروع مطالعات جدی و مستمر در حوزه مسائل شهری در دانشگاه تربیت مدرس، نمی‌دانستم که زمانی، شاید به دلیل قرار گرفتن در فضا و شرایط علمی متفاوت، هویت و موجودیت شهرها و مطالعه عناصر نوین شهری، به اندازه امروز بتواند افکار و وقت مرا به خود مشغول کند. هویتها و مسائلی که به من می‌آموزند همواره دقیق شوم، کنجکاو باشم، علل را بیابم و آنها را ثبت و ضبط نمایم. با گذشت زمان دریافتم که شهرها، به عنوان مهم‌ترین پدیده و تجلی تمدن بشری، مکان، تکیه‌گاه و بستر مهم زندگی انسانی‌اند، و خواه ناخواه، خوب یا بد، بسته به دیدگاهها و خط و مشیهای مؤثر در ساخت آنها، در حال تغییر جهان (اکولوژی، اقتصاد، سیاست و روابط اجتماعی همه نواحی) هستند، به گونه‌ای که می‌توان گفت، در نتیجه تداوم گسترده این روند، کره زمین، در حال تبدیل شدن به یک سیستم شهری واحد، پیچیده، مرتبط و بسیار بی‌ثبات است. بی‌جهت نیست که متفکران شهری مانند کریستوفر کندی، قرن بیست و یک را به عنوان «قرن شهری» نامیده‌اند و اینکه شهرهای امروز، ساکناناران عصر فراصنعتی جدیدند (Kennedy, 2011: 3). در این میان، موفقیت کشورها در این جهان متحول به وجود یک سیستم شهری سازماندهی شده و مقتدر بستگی بسیاری دارد؛ ساختار توانمند شهری، یعنی ساختاری فضایی- مکانی که بر پایه توجه و مدیریت قدرتمند و در پرتو سالها مطالعه و پژوهش پدید آمده و تنها در پرتو این روند، قادر به تداوم حیات خود بوده است. بنابراین، چنانچه وظیفه خطیر جغرافی‌دان و پژوهشگر شهری را کمک به شناخت این روند و ارائه رویکردهای مناسب برای تحقق ساختار شهری فوق‌بدانیم، این وظیفه همچنان و در طول اعصار تداوم خواهد داشت. البته باید توجه داشت، از آنجا که این کانونها و نواحی شهری در جهان، جنبه‌ها و ابعاد بسیار متفاوت و متنوعی دارند، دامنه مطالعه و کندوکاو در مورد آنها نیز بسیار وسیع بوده است. سرانجام اینکه، به دلایلی متعددی در حوزه شهر و مطالعات شهری و منطقه‌ای بر آن شدم نوشته حاضر را با کار و مطالعه بی‌وقفه، در مدت فرصت مطالعاتی (با وجود مشکلات خاص) و بعد از آن، بنگارم و آماده انتشار نمایم؛

از جمله این دلایل:

- خلاصه مطالعات و پژوهشها در حوزه موضوعها، دیدگاهها و مفاهیم شهری؛
 - مروری بر کلیدواژه‌ها و مفاهیم اساسی در بازساخت ابعاد و جنبه‌های گوناگون شهر و کارکردهای آن در چند دهه اخیر؛
 - شناخت علل و عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تکامل ساختارهای فضایی- مکانی قدرتمند شهری در ابعاد محلی، منطقه‌ای و ملی؛
 - بازنگری در زوایای آشکار و پنهان ناپایداریها، نابرابریهای اقتصادی- اجتماعی و یا تفاوت‌های منفی میان حوزه‌های شهری جهان.
 نوشته حاضر شامل هفت فصل، حاوی مفاهیم، دیدگاهها و موضوعهای پایه‌ای نظری و کاربردی، در حوزه مطالعات و جغرافیای شهری است که قطعاً کاستیهایی دارد. پیشنهادها و نکات سازنده و علمی خوانندگان محترم می‌تواند در تکمیل و ویرایش آن ارزشمند و رهگشا باشد.¹

زهره فنی

دی ماه 1392

مقدمه



شهرها، آزمایشگاه بزرگ و مهمی در آزمون و خطا، شکست و موفقیت جوامع هستند (Jacobs, 1994).

درباره اهمیت و عظمت شهرها بسیار نوشته و گفته‌اند؛ برای نمونه، خانم جین جاکوبز (1916-2006) از نظریه‌پردازان شهری، در کتاب *انتهای امپراتوری: فرالاستعمارگرایی و شهر*² به نکته‌ای اشاره دارد که بیانگر اهمیت فضاهای شهری، در انعکاس موفقیتها و شکستهای جوامع انسانی است. وی که انسانها را بازیگران اصلی عرصه‌های گوناگون زندگی و فعالیت در شهرها می‌داند، فضاهای شهری را مکان مهمی برای آزمون، بازخورد و مشاهده نتایج تصمیمها و عملکردها معرفی می‌کند. شاید همین نکته و ویژگی مهم سبب گرایش، تحقیق و نگارش شمار زیادی از محققان و نویسندگان در حوزه تفکرات، دیدگاهها و مسائل شهری نیز شده است؛ به گونه‌ای که آثار زیادی، از تمامی شاخه‌های علوم انسانی، اجتماعی و حتی علوم طبیعی و پزشکی، به بررسی مفاهیم، ویژگیها و آثار شهر و زندگی شهری بر انسان پرداخته‌اند.

ولی یکی از نکاتی که در این پژوهشها و نوشته‌ها کمتر به آن اشاره شده این است که اواسط دهه 1990 میلادی، اولین مقطع زمانی است که بیش از 50 درصد از 5/9 میلیارد نفر مردم جهان در نواحی شهری زندگی

1. z_fanni@sbu.ac.ir

2. Jacobs. 1994. n. 186.

می‌کردند. از ابتدای سده بیستم، موج تازه‌ای از شهرنشینی در مناطق مختلف جهان شروع شد که به سرعت در حال پیشرفت است. نواحی شهری در سال 2011، با بیش از 3/6 میلیارد نفر از 6/9 میلیارد نفر جمعیت جهان³، توانسته است شمار بیشتری از مردم نواحی روستایی و کشاورزی را در خود ادغام و به عنوان جمعیت شهری قلمداد کند. البته همان‌گونه که در جدول 2 می‌بینید، در ابتدای قرن بیستم، درصد جمعیت شهری در مناطق نظام‌های پیشرفته اقتصاد سرمایه‌داری جهان، مانند امریکای شمالی، اروپای غربی، ژاپن، استرالیا و نیوزیلند و نیز در نظام‌های اقتصادی تازه صنعتی شده‌ای، مانند کره جنوبی، سنگاپور و تایوان بسیار زیادتر از سایر مناطق بوده است. در امریکای شمالی، بیشتر از 80 درصد جمعیت، به عنوان جمعیت شهرنشین سرشماری شده است⁴، ولی با وجود سطح پایین‌تر شهرنشینی در کشورهای توسعه نیافته، جمعیت شهری آنها، 2/6 برابر بیشتر از کشورهای توسعه یافته است. طبق پیش‌بینی صندوق جمعیت سازمان ملل، این فاصله در دهه‌های آینده، به سرعت افزایش می‌یابد (UNFPA, 2007). برای دستیابی به دورنمایی از این رشد و دامنه تغییرات آن، کافی است به زمان دو برابر شدن این جمعیت در طول زمان توجه شود.

جدول 1 مدت زمان لازم برای اضافه شدن هر 1 میلیارد نفر به جمعیت شهری جهان

مقطع زمانی	زمان لازم برای دو برابر شدن جمعیت	کل جمعیت شهری جهان
(800 قبل از میلاد تا 1960)	10 هزار سال	0-1 میلیارد نفر
(1960-1985)	25 سال	1-2 میلیارد نفر
(1985-2003)	18 سال	2-3 میلیارد نفر
(2003-2018)	15 سال	3-4 میلیارد نفر

Source: Satterthwaite, 2007.

از دهه 1960 میلادی به این طرف، شمار زیادی، به جمعیت شهری جهان اضافه شده که سبب کوتاه شدن سریع مدت زمان دو برابر شدن آن، به 25 سال شده است (جدول 1). جالب‌تر اینکه، بخش اعظم این تغییرات، در کشورهای در حال توسعه انجام گرفته است (ر.ک.: جدول 2). خیزهای بزرگ جمعیت شهری جهان، از دهه 1970 چشمگیر شده است؛ دوره‌ای که اقتصاد جهانی، طی فرایندهای بلندمدتی، بازساخت عمیق و بنیادی را تجربه کرد که آثار آن، به اختصار «جهانی شدن اقتصادی» خوانده شد. آخرین آمار رسمی جمعیتی جهان (2010 و 2011)، گویای بیشترین خیز جمعیت شهری نسبت به سال 2000، به ترتیب در قاره‌های افریقا، آسیا و امریکای لاتین و سپس در اقیانوسیه و نشان‌دهنده تداوم شتاب روند شهری شدن جمعیت در آنهاست.

جدول 2 جمعیت شهری جهان بر حسب مناطق، 1950-2011 (میلیون نفر)

منطقه	1950	1970	1990	2000	2010	2011	درصد
افریقا	33	85	203	294	412	414	39/6
آسیا	234	485	1/011	1/363	1/757	1/895	45/00
امریکای لاتین و کارائیب	70	163	315	394	469	472	79/1

3. http://esa.un.org/unup/pdf/WUP2011_Highlights.pdf

4. c.f: http://www.census2010.gc.ca/cr_r000-eng.htm

72/9	539	533	522	509	411	277	اروپا
82/2	285	288	249	214	171	110	امریکای شمالی
70/7	26	25	22	19	14	8	اقیانوسیه
52/1	3/632	3/486	2/845	2/271	1/329	732	جهان

United; Lee, 2007, p. 7 Sources: quoted in: Lee, Nation, Department of Economic & Social Affairs, Population Division: World Urbanization Prospects: The 2009 & 2011 Revision: 1950-2050. Available at: <http://esa.un.org/unpd/wup/index.htm>

گذشته از ارقام و جداول که بیانگر رشد سریع و اجتناب‌ناپذیر جمعیت شهری در مناطق جهان است، به طور گسترده‌ای زندگی روزمره افراد انسانی، به روابط شهری وابستگی روزافزونی یافته است. جهان، به طور اساسی در حال شهری شدن و مناطق شهری شده آن، قویاً در شیوه و روابط زندگی شهری، غوطه‌ور و در حال استحکام هستند. مناطق غیرمتروپلیتن و یا خارج از مادرشهرها، در کشورهای مختلف، در زمینه گذران امور روزمره خود، به منابع اطلاعاتی، قابلیت‌ها و توانمندیهای اقتصادی، همبستگیهای اجتماعی، فعالیتهای تفریحی و سرگرمی، دیدگاهها و نظریات سیاسی، مشخصه‌های فرهنگی و نشانه‌های رفتاری فرهنگ عمومی در مراکز مادرشهری وابسته‌اند. به عبارت دیگر، حتی اگر همه انسانها، به طور فیزیکی در شهر زندگی نکنند به نوعی به آن وابسته‌اند. شهرها، از گذشته تا به امروز، به عنوان مراکز قدرت و اهمیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشورها، مکانهایی هستند که در آنها عملکردهای انسانی، بر حسب سه مشخصه سطح نوآوریها، کنترل و هدفمندی تعریف، تبیین و محقق می‌شوند و منابع عظیم سرمایه و سرمایه‌گذاران در شهرها، گویای تداوم روند توسعه آنهاست.

البته یکی از اشکالاتی که معمولاً به هنگام تحلیل و یا استنباط از جداول و ارقام پدید می‌آید، نادیده گرفتن یا غفلت از علل تفاوت سطح شهرنشینی و نه تعداد جمعیت شهرنشین است. به طور معمول یکی از فرضهای قطعی در اقتصاد و جغرافیای شهری، وجود ارتباط مثبت و مستقیم بین رشد اقتصادی و روند شهرنشینی است (Satterthwaite, 2007)؛ از این رو می‌توان این سؤال را مطرح کرد که چرا شهرهای کشورهای در حال توسعه، بی‌نظمی، فقر و انواع آلودگیها را تجربه می‌کنند؟ بی‌تردید، پدیده شهرنشینی که کشورهای در حال توسعه کنونی، در حال تجربه آن هستند، بسیار متفاوت از روند شهرنشینی است که کشورهای اروپایی، امریکای شمالی، ژاپن و استرالیا، در گذشته تجربه کرده‌اند و البته از جهاتی هم شبیه است. جنبه‌های مشابه آنها، به طور کلی وجود نیروهای محرک و تشدیدکننده روند شهرنشینی است، از جمله تحرک سرمایه، وجوه و کمکهای خارجی، تماسها و ارتباطات و مسائل روستایی و حومه‌ای. امروزه، تداوم شهرنشینی کشورهای در حال توسعه، دلایل و علل بنیادی مشابهی با کشورهای توسعه‌یافته دارد، ولی دو تفاوت اساسی نیز با هم دارند که با نیروهای محرک شهرنشینی مرتبط نیستند، بلکه از اهمیت و اندازه جمعیت و زمینه یا بستر نهادی و سازماندهی محلی آنها که شهرنشینی در آن محقق می‌شود، متأثرند.

با این تبیین می‌توان ادعا کرد که شهرنشینی تنها استحاله اقتصادی- اجتماعی و کالبدی جامعه، به دنبال بروز و تحقق رشد اقتصادی و مدرنیته نیست، بلکه پدیده‌ای است که در نتیجه تحولات توسعه‌ای و کامل شدن دوره انتقال جمعیتی محقق می‌شود. کاهش مرگ‌ومیر، افزایش نرخ تولد، به همراه افزایش سطح

امید به زندگی و تداوم این روند، سبب حرکت انتقالی جمعیت به طرف ثبات نسبی می‌شود. از دیگر تفاوت‌هایی که بین این دو دسته از کشورها دیده می‌شود، شکاف زمانی است که بین اشاعه پیشرفت‌های بهداشتی و از این رو، کاهش نرخ مرگ و میر کودکان از یک طرف و زمان تصمیم‌گیری زنان به داشتن فرزند کمتر از سوی دیگر دیده می‌شود. به عبارت دیگر، تحول فکری و رفتاری زنان و مردان، نسبت به تعداد فرزندان‌شان، بسیار دیرتر از تحولات بهداشتی و زنده ماندن شمار بیشتری از فرزندان آنها، به وقوع پیوسته و هنوز هم در برخی از کشورهای در حال توسعه، در حال تکرار است. در حالی که این شکاف زمانی، در کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته، سریع‌تر پر شد. در نتیجه، جمعیت کشورهای در حال توسعه فعلی، بسیار سریع‌تر از کشورهای صنعتی یک قرن قبل افزایش یافت.

در برخی از متون مرتبط با توسعه چنین نوشته شده که در واقع، کشورها و شهرهای در حال توسعه «قربانیان توسعه» اند (Polese, 2009: 143)؛ چراکه آنها زمانی پدیده شهرنشینی را تجربه می‌کنند که جمعیت، به دلیل پیشرفت‌های علمی و بهداشتی، به سرعت افزایش یافته است. در حالی که کشورهای صنعتی امروز، زمانی شهرنشینی را تجربه کرده‌اند که نرخ رشد جمعیت کمتر، شهرها کوچک‌تر، و سطح شهرگرایی محدودتر بوده است. پیشرفت‌های بهداشتی، مهندسی و اداره امور عمومی، محدودیت‌های رشد اندازه فیزیکی شهر را کاهش داده و زمینه را برای گسترش کالبدی بیشتر شهرها فراهم کرده‌اند. در این زمینه، هنوز کشورهای در حال توسعه، با دو چالش عمده روبه‌رو هستند: یکی، تداوم رشد جمعیتی، دوم و مهم‌تر از آن، رشد کالبدی غیرمسئولانه و غیرپاسخگوی شهرها، با توجه به سطح پایین توسعه در آنهاست. بنابراین، تعجب‌آور نیست که چرا نمی‌توانند، این رشد را مهار و یا فاصله زیرساختی خود را با جهان توسعه‌یافته، پر نمایند. در نتیجه، رشد بی‌سابقه شهری و شهرنشینی، با سطح توسعه ضعیف، چالش بزرگ و مهمی فراروی مدیریت شهری آنها شده است.

با گذشت زمان و تحولات فناورانه پدیدآمده، در موضوع و فعالیت‌های علمی جغرافی دانهای شهری نیز همگام با سایر علوم، تغییراتی دیده می‌شود. چراکه دوره پسا صنعتی دهه 1990 میلادی در جهان، شاهد گرایش بیشتر برنامه‌ها و سیاست‌های مکانی جوامع، به سمت اصول علوم اجتماعی بود و خود را نیازمند رشد سریع اطلاعات و تولید آنها در هر فضای ممکن (مجازی و غیرمجازی)، فراتر از کارخانه⁵ می‌دید و به همین دلیل، دوره معاصر «عصر اطلاعات» نامیده شده است. ادوارد سوچا معتقد است، از آنجایی که اغلب این اطلاعات، فن‌محور، پراکنده و جدا از هم و از این رو، نیازمند تجمیع و پردازش به وسیله متخصصان مربوطه‌اند بنابراین، یکی از کارکردهای مهم کنونی شهر، پردازش اطلاعات و داده‌های غامض، مبهم⁶ و چندمنظوره بوده است (Soja, 1989). وی و همفکرانش معتقدند که شهرهای بزرگ‌تر، به دلیل ویژگی تراکم و تجمیع اقتصادی بیشتر، در پردازش و مبادله این اطلاعات نقش مؤثرتر و گسترده‌تری دارند و به مرور زمان برگستره و پیچیدگی این نقش افزوده می‌شود ضمن اینکه در این میان، مطالعه و بررسی بخشی از این فرایند مهم، بر عهده جغرافی دانان شهری قرار دارد.

5. تا پیش از این دوره، عمده اطلاعات و داده‌های توسعه‌ای جوامع به‌ویژه در زمینه توسعه صنعتی، با اتکا بر فعالیتها و گسترش فضاها و نیروهای تولید کارخانه‌ای امکان‌پذیر بود.

6. ambiguous information

از این رو، آثار و نوشته‌های متعددی، همواره سعی در معرفی روند تحولات، ترکیبها و اصطلاحات جدید مفهومی در حوزه مطالعات شهری و دانش جغرافیای شهری دارند که در طول زمان، از سوی نظریه‌پردازان و پژوهشگران این حوزه، در کشورهای توسعه‌یافته و برخی از کشورهای در حال توسعه ارائه و تحلیل شده‌اند؛ مفاهیمی که با فنهای جدید، اطلاعات، موضوعات نوین و با انجام دادن تحقیقات متعدد درهم آمیخته‌اند. تقریباً همگی این اندیشمندان در آثار خود در هر مقطع زمانی، به طور ضمنی اشاره کرده‌اند که هدف از تبیین و تشریح مجدد مفاهیم و دیدگاهها در مطالعات و جغرافیای شهری، ارائه شیوه‌ای تازه در بررسی و تحلیل عوامل و عناصر سازنده شهرهای امروز جهان است. این نوشته نیز، به دنبال بازنگری این مفاهیم و کلیدواژه‌ها در قالب دوره‌های خاص زمانی و یا مکانی نیست، بلکه سعی دارد تا با روش تحلیلی تازه‌ای، سبک تبیین موضوعی نوین در بررسی و تحلیل مفاهیم بنیادی برای شناخت شهرهای معاصر ارائه نماید. در واقع این کتاب، با نگاه واقع‌بینانه‌تری به شهر و مفاهیم مرتبط با آن تحلیل می‌کند که شهر، صرف مجاورت، نزدیکی و یا روابط ساده مکانی و فیزیکی اشیاء و مردم با هم نیست، بلکه موجودیت و هویت شهر، یعنی تعاملات منظم، فراگیر و مستمر و ارتباطات چندجانبه گسترده میان حومه‌ها، شهرها و کشورهاست؛ روندی که از دو دهه پیش، در اغلب مطالعات و جغرافیای شهری کشورهای توسعه‌یافته و برخی از کشورهای در حال توسعه به چشم می‌خورد. همچنین، مطالب این نوشته به فراخور ابعاد گوناگون موضوعی، به گونه‌ای تألیف و تدوین شده تا خوانندگان بتوانند مروری کلی و نسبتاً جامع از جریانها و تفکرات مطرح درباره شهرگرایی و یا شهری شدن جوامع نیز داشته باشند.

اهمیت مطالعات موردی⁷ و تولید اطلاعات علمی

پرواضح است که مطالعات موردی و تولید اطلاعات علمی در هر زمینه و عرصه‌ای از حیات جوامع انسانی بسیار ارزشمند و مهم است و به تبع، تولید دانش روز، در حوزه ادبیات جغرافیای شهری هم اهمیت خاصی دارد. البته زمانی این مطالعات و تولید اطلاعات ارزشمند است که در فضایی کاملاً علمی و بر پایه مستندات و مدارک واقعی با روشنی و فراغت ذهن و واقع‌گرایی پژوهشگر انجام شود تا بتواند به نتایج و ایده‌های جدیدی منتهی گردد، ولی یکی از مشکلات و نکات منحرف‌کننده در مطالعات شهری این است که معمولاً ادعا می‌شود، شهر یا مجموعه شهری مورد مطالعه، تنها مورد و پدیده قطعی در زمینه موضوع مورد تحقیق است و یا اینکه مطالعه انتزاعی موضوعها می‌تواند تعمیم‌پذیری نتایج آنها در سطح شهرهای جهان را دشوار سازد؛ مثلاً شماری از اندیشمندان شهری معاصر، از جمله ادوارد سوجا، بر این ادعا اصرار دارند که شهر لوس‌آنجلس، مناسب‌ترین مکان برای ترسیم شکل آینده حیات و بقای شهرهای بزرگ یا مادرشهرهاست (Soja, 1996: 191). این نوع نگرشها، تفکرات و شیوه‌های تحقیق انحصاری، معمولاً مشکلات مطالعاتی خاصی به همراه دارد که از چند جنبه، قابل بررسی‌اند:

- اول اینکه چرا موضوعها و مسائل شهری به صورت انحصاری و آزمایشگاهی و غالباً به وسیله پژوهشگران

7. لازم است بیان شود که اساس کتاب حاضر بر دیدگاهها و مطالعات نظری (و نه تجربی و موردی) قرار دارد، ولی از آنجایی که مؤلف به دنبال شناخت و طرح موضوعها و مباحث تازه علمی براساس مشاهدات و مطالعه خود و با تأکید بر پژوهشها و منابع موجود بوده است، در اینجا به عنوان مدخلی در مقدمه، به اهمیت این دسته از منابع در تولید اطلاعات علمی و تعمیم دانش اشاره کرده است.

مغرب‌زمین مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد به گونه‌ای که علاوه بر غفلت از ویژگی پویایی و باز بودن سیستم شهرها، از میزان قابلیت تعمیم نتایج بررسی آنها به سایر شهرها می‌کاهد؟

● دوم اینکه، باید پرسیم که اصولاً چرا شهرها یا مادرشهرهای دیگر مناطق جهان، مورد مطالعه و آزمون قرار نگرفته و یا قرار نمی‌گیرند؟ و یا در درون مرزهای ملی، چرا عمدتاً کلان‌شهرها، آن هم به صورت انتزاعی مورد پژوهش و تعمیم قرار می‌گیرند؟ در حالی که اغلب مشکلات اساسی توسعه‌ای در جوامع در حال توسعه، فقدان نگرش و رویه سیستمی/ منطقه‌ای است که در آن همه سکونتگاهها به طور یکپارچه و شبکه‌ای مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار می‌گیرد.

● سوم اینکه، به دلیل تلاشی که برای همگون‌سازی و تعمیم دادن شهرها، در شرایط آزمایشگاهی کلینیکی انجام می‌گیرد، چهارچوب و روشهای کاربردی در این تحقیقات، به ناچار برای مجموعه‌های کاملاً پیچیده و متفاوتی از اطلاعات و شرایط اجتماعی- اقتصادی سایر شهرهای جهان استفاده می‌شود به گونه‌ای که مثلاً علی‌رغم وجود ساختارها و خصایص ناهمگون شهری در شهرهای بزرگ و متروپلیتن جهانی، این طور استنباط می‌شود که شرایط زندگی و فعالیت‌های شهری، در کانونهای شهری درجه دوم و سوم، در حال افول و یا تضعیف است، در حالی که واقعیت می‌تواند کاملاً عکس آن باشد.

● چهارم اینکه، هنوز اغلب مطالعه‌های صورت گرفته در مورد این شهرها، از نوعی تقسیم‌بندی سیاسی پرسابقه در جغرافیای انسانی، با عنوان «جهان سوم» استفاده می‌کنند؛ عنوانی که بیشتر در قالب مطالعات جغرافیای توسعه و جغرافیای سیاسی و نه جغرافیای شهری، جایگاه و کاربرد دارد. حتی کاربرد واژه‌ها یا اصطلاحات کم‌سابقه‌تر مانند «شمال» و «جنوب» در مورد شهرهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نیز امروز با تردید و احتیاطهایی همراه است.

بنابراین، به نظر می‌رسد که طرح و تشریح مجدد مفاهیم اساسی در جغرافیا و مطالعات شهری، بتواند گامی نو و شیوه‌ای متفاوت در نگرشها و تحلیل عوامل و عناصر مفهومی و ساختاری شهرها و شهرنشینی باشد.

روش کار در نگارش کتاب حاضر

یکی از معضلات علم جغرافیا در ایران این است که پژوهشگران و جغرافی‌دانان شهری به دلایلی⁸، به طور معمول از ورود و پرداختن به مباحث روز و کاربردی شهری اجتناب می‌ورزند؛ موضع‌گیری و حرکتی که می‌تواند به رکود این علم بینجامد. از این رو همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، هدف مهم در بازنگری، تأمل و تحلیل مفاهیم اساسی در مطالعات شهری، ارائه شیوه‌ای متفاوت در برخورد با مسائل و پدیده‌های شهری، مطالعه و تحلیل عوامل و عناصر سازنده شهرها بوده است. علاوه بر آن، از دیگر اهداف نگارش این کتاب، جمع‌بندی و تنظیم راهبرد و رویکردی نهایی جهت کاهش و یا تعدیل مسائل شهرهای امروز به ویژه از منظر توسعه پایدار شهری بوده است. از این رو، مطالب و مباحث آن، نه در قالب دوره‌های تاریخی، بلکه به صورت موضوعی⁹ تنظیم و نگارش شده است.

8. به نظر می‌رسد عمده دلایل، به معایب نظام آموزشی و پژوهشی کشور و در رأس آنها عدم ارتباط نزدیک این شاخه از علم و زمینه‌های کاربردی آن در حوزه‌های داخل ایران و به ویژه عدم ارتباط میان ایران با سایر کشورها در زمینه‌های مختلف علمی و پژوهشی باز می‌گردد.

9. شالوده و فصل‌بندی کتاب حاضر با الهام از آثار بزرگان و متفکران در حوزه مطالعات شهری مانند آلن لاثم، جین جاکوب، پل ناکس، میشل اسمیت، نیل اسمیت، دیوید هاروی، ساسن، کاستلز، برنر، امین و تریفت، لوئیس جانسون و کاپلن تنظیم شده است (منابعی که دسترسی به آنها در داخل میسر نیست و یا بسیار هزینه‌بر است). این فرایند با مراجعه مکرر و ترجمه منابع فراوان و بسیار متنوع کتابخانه‌های دانشگاه‌های مک‌گیل، مونترال و کنکوردیا و نیز منابع اینترنتی، توانست نظم و سبک کنونی به خود بگیرد و به تولید کتاب حاضر منجر شود.

همچنین نگارنده در ابتدای شروع مطالعات خود در دوره فرصت مطالعاتی، با موضوعها و زمینه‌های بکر یا کار نشده زیادی در حوزه مطالعات و ادبیات شهری ایران مواجه شد که یکی از آنها، همین موضوعی است که اکنون به شکل حاضر و با صرف زمان و کار نزدیک به سه سال تدوین شده است. یکی دیگر از نکاتی که در ابتدا قابل توجه و البته بسیار رهگشا بود، شمار و تنوع عظیم آثار و منابع در حوزه مطالعات و جغرافیای شهری در جهان است. شایان ذکر است که این منابع هم از لحاظ محتوا و هم نحوه نگارش، به دو گروه سنتی و مدرن قابل تقسیم‌اند؛ ولی به طور کلی مجموعه منابعی که موضوعات شهری را پیگیری کرده و به رشته تحریر درآمده‌اند، در سه مرحله و عرصه مشخص قابل بررسی‌اند: (همان‌گونه که در منابع ذیل مطالعه و ردیابی شده است: Knox, 1993; Hartshorn, 1992; Short, 2006; Clark, 1982; Hall, 1996 & 1999).

● به عنوان اولین مرحله و عرصه از مطالعات شهری، این پژوهشها و منابع بر زمینه‌های تکامل، سازمان‌یابی و سازوکارهای شهر، به عنوان اجزاء و عناصر تشکیل‌دهنده سیستم شهری تأکید کرده‌اند. در این عرصه شناختی، بر چگونگی روند تکامل و رشد فیزیکی شهرها تأکید می‌شود. تبیین منابع و عوامل مؤثر در رشد و یا رکود مکانی - اقتصادی شهرها، در علل و عوامل متغیری که ماهیت طبیعی، اقتصادی، جامعه شناختی، سیاسی و تاریخی دارند، جستجو و بررسی شده است.

● دومین مرحله و عرصه شناختی در مطالعات جغرافیای شهری، بر کیفیت و عوامل تأثیرگذار بر ساختار داخلی شهر متمرکز است. هدف اصلی تحقیقات و نگارشها در این مرحله، شناخت شکل شهر با توجه به فضا و زمان است و موضوعات عمده‌ای که مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: ساختار فضایی، ساختار اجتماعی، بازار زمین و مسکن شهری، واحدهای همسایگی، سیستمهای حمل و نقلی، و فعالیتهای اقتصادی درون شهر و نیروهای مؤثر بر آنها.

● سومین عرصه و مرحله مطالعاتی در جغرافیای شهری، معطوف به کیفیت و ابعاد تحولات در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری بوده است؛ تمرکز اصلی در اینجا بر آن دسته از مسائل شهری است که از رشد، رکود و ایستایی نظامهای برنامه‌ریزی و مدیریت شهرها ناشی می‌شود. موضوعات رایج در این زمینه، شامل مباحث اصلی و کلان‌پایداری در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، توسعه اقتصاد محلی و جهانی شدن و مباحث خرد در حوزه‌های سیاست‌گذاری برای مسکن، اشتغال، حمل و نقل، احیای واحدهای همسایگی، تجدید حیات مراکز شهری، و مدیریت رشد فیزیکی بوده است.

در مجموع با توجه به موضوعها و حوزه‌های فوق و با تلفیق روشهای نگارشی گوناگون، شیوه کار در تدوین و نگارش نوشته حاضر به این ترتیب سامان‌دهی شد که ابتدا، مفاهیم و اصطلاحات پایه‌ای و مهم در دانش جغرافیای شهری معاصر جهان، در قالب گروههای عمده فراهم و تفکیک شدند و سپس بر پایه دیدگاهها و نظریه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفتند؛ به طوری که هر گروه، ضمن نگرشی کلی و جامع، حاوی اصطلاحات و مفاهیم خرد در حوزه خود است. بدین ترتیب، مفاهیم و مباحث جدید در شهرهای معاصر در قالب بخشهایی شامل کلیاتی راجع به شهر و شهرنشینی؛ موقعیت و حرکت در شهر؛ عناصر مادی و شهر؛ عناصر غیرمادی (سیاسی - اجتماعی) و شهر؛ فرهنگ و شهر¹⁰ مکان و کارکردها و در

10. به دلیل اهمیت هر گروه از عناصر انسانی در شهر، موضوع فرهنگ شهر به صورت فصل جداگانه‌ای از ساخت سیاسی - اجتماعی تدوین شده است.

نهایت، جمع‌بندی فصول و ارائه راهبردی برای توسعه پایدار شهری گردآوری، تلفیق و تدوین شده‌اند. در جریان نگارش این اثر، ابتدا مفاهیم، دیدگاهها و نظریه‌های گوناگون، در حوزه مطالعات، برنامه‌ریزی و جغرافیای شهری معاصر مطالعه و دسته‌بندی شده و سپس با جمع‌بندی و تحلیل آنها، چهارچوبهایی برای عناصر و موضوعات مهم حیات شهر، شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری معاصر ارائه شده است. ضمن اینکه، به هنگام طرح و تحلیل موضوعها و مفاهیم بنیادی، برخی از چالشهای پدیده جهان شهری شده امروز، مورد بررسی و بازنگری قرار گرفته است. با توجه به اهمیت بعضی از این منابع و مطالب مورد بحث آنها لازم بود که برخی از مفاهیم و مطالب با فرمت اصلی منتقل گردد، لذا کتاب حاضر مجموعه‌ای از تألیف و ترجمه است. فصل پایانی کتاب به این لحاظ اهمیت خاصی دارد که با جمع‌بندی، تلفیق و تحلیل دیدگاههای مرتبط، به گونه‌ای تنظیم شده است تا بتواند به طرح راهکار و راهبردهایی در حوزه مسائل شهرهای معاصر به ویژه توسعه پایدار شهرهای در حال توسعه و ایران بینجامد. به هر حال، امید و انتظار می‌رود، مجموعه مطالب و مباحث نوشته حاضر بتواند علاوه بر ایجاد تلنگری ذهنی، منبع تکمیلی برای دانشجویان جغرافیای شهری، برنامه‌ریزی شهری، جامعه‌شناسی شهری و اقتصاد شهری، به ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی باشد.